

برای ثبوت بزهکاری متهم نیست بطریق اولی قرائنی که علیه متهم وجود دارد از قبیل فرار را نمیتوان کافی برای محکوم کردن او دانست بلکه بایستی در کیفیت این قرائن بررسی کرده و آنها را سنجید
در قوانین زمانهای گذشته اموری را علیه متهم تعبیر کرده او را محکوم میساختند

۱ - در قانون رم قدیم کسی را که برای تحصیل رضایت خاطر طرف مقابله پول میداد در حکم اقرار کننده بزه دانسته دادنامه محکومیت او را صادر میکردند البته ایندلیل را در بزه های مهم کافی نمیدانستند زیرا ترس از محکومیت خطائی ممکن بود متهم را وادار به پرداخت مبلغی کرده باشد.

۲ - خاموشی متهم را نیز بعضی قوانین تعبیر بر مقرر بودن او نموده و محکومش میساختند

۳ - فرار متهم و حاضر نشدن او در موقع دادرسی بعضی قوانین دلیل تقصیر کاری متهم دانسته اند در صورتیکه در قوانین امروزی در غیاب متهم بازپرس دلائل را جمع آوری نموده و ممکن است منع تعقیب یا براهت متهم فراری اعلام گردد

۴ - قسم که در قوانین رم و یونان برای حل قضیه و تصمیم دادرسی بکار برده میشد در قوانین امروز در امور کیفری بکلی متروک است.

دکتر امین فر

۱. هنر بخش

کارورز تیمارستان شهرداری

او واقع خواهد شد در هر حال در امور کیفری متهم میتواند پس از اقرار انکار کند چه این اقرار در مرحله رسیدگی کیفری باشد چه قبل از شروع رسیدگی چه قبل از محکومیت باشد چه بعد از آن متنبی ارزش این انکار بسته بنظر دادرس است

۲ - غیر قابل تفکیک بودن

در دعوی حقوقی اقرار قابل تفکیک نیست یعنی مقرله نمیتواند آن قسمت از اقرار را که بنفع اوست قبول کند و آن قسمت که بر ضررش میباشد رد کند ولی در امور کیفری همانطور که صحت و سقم اقرار بسته بنظر دادرس است دادرس میتواند قسمتی از اقرار را که راجع به بعضی عوامل و کیفیات بزه باشد قبول کند و قسمتی دیگر را طرد کند زیرا ممکن است متهمی اقرار بارتکاب بزه بنماید ولی کیفیاتی بر آن اضافه کند که باعث تخفیف یا از بین بردن مسئولیت او گردد مثلاً متهمی اقرار بارتکاب قتل دارد ولی اظهار میکند که در مقام دفاع از نفس بوده و یا اینکه پیش بینی کردن بزه را منکر است یا فرض های دیگری میتواند کرد متهمی اقرار باخفاء اموال مسروقه مینماید در صورتی که مسروقه بودن اموال ثابت نیست بنابراین اقرار در امور کیفری قابل تفکیک است
اقرار غیر صریح یا ضمنی

چنانکه گفتیم اقرار صریح متهم بتنهائی کافی

بخش بزهک قانونی

دکتر - ع. میرسیاسی کارشناس
رسمی وزارت دادگستری
معاون تیمارستان شهرداری

کارشناس و کارشناسی

هر آن در برابر هر اتغلا تصمیم و اظهار نظری کارشناس در مقابل اشکالات و دشواریهایی واقع میشود که در حل آنها عوامل متعددی را بایستی در نظر داشته باشد

وظیفه کارشناسی از وظایف سنگین و پر مسئولیتی است که انجام آن نه تنها بایستی متکی به عناصر مثبت و محرزی باشد و این عناصر همیشه وجود ندارند بلکه

بنا بر این در طرز انشاء گواهی نامه طبی بایستی نهایت دقت را نمود که مورد دایراد فنی و اداری و مخصوصا مورد دایراد قانونی واقع نشود.

زیرا اغلب پزشک بایستی پاسخ بعضی سئوالاتی را به داد گاه بدهد که از لحاظ نتایج ممکنه نهایت اهمیت را دارد مثلا پزشک از طرف داد گاه مامور میشود که رفته زید را معاینه نموده نظر خود را راجع بجنون یا سلامه عقل او بدهد. پزشک بیمار را نمی شناسد کسان و اطرافیان او را هم نمی شناسد بنا بر این نمیتواند گواهی دهد که «آقای زید را معاینه نموده و گواهی میدهد که...» بلکه باید بنویسد «مرد یا زنی را که بنام فلان بمن معرفی شده و ظاهرا... سال دارد معاینه نموده و گواهی میدهد...»

بدین ترتیب اگر کسانی برای منافع ممکنه بخواهند بیمار واقعی را طرف معاینه قرار داده و بنام شخص سالمی گواهی نامه بگیرند نمیتوانند و پزشک در داد گاه اگر گول و فریبی در کار بود میتواند اظهار دارد این شخص بیماری نیست که من معاینه کرده ام وانگهی بر فرض که پزشک فراموش کرده باشد با داد گاه است که اظهار نظر نماید آیا فریبی در کار بوده یا خیر. بنا بر این هم پزشک از فریب و گول نجات پیدا کرده و هم مانع احقاق حق نشده است.

گاه پزشک در حین امتحان یا علانی که دلیل اختلال حواس باشد نمی بیند یا عوارض متظاهره بیمار راست بنظرش نمی آید و یا بیمار در خموشی کاملی است و علت آن خموشی در امتحان معلوم نیست که ارادی است یا مرضی در اینگونه موارد کار پزشک دشوار تر است زیرا قانون کارشناسی (ماده ۸) موظف میدارد که در اسرع اوقات امر محوله را انجام داده و اظهار عقیده خود را به تاخیر نیندازد و از طرف دیگر مشاهدات او برای استنتاج کافی نیست.

آیا از دادن نظر خودداری کند؟ در این صورت ماده ۱۵

در این جا ما فقط پزشک کار شناس را منظور داریم و از رشته های کارشناسی دیگر سخن نخواهیم راند
در همین سازمان فعلی کشور ما بسا مسائل است

که بر گواهی نامه پزشک و کار شناس رسمی یا غیر رسمی تکیه نموده و تمام جریانات بعدی از گواهی نامه شروع میشود. گواهی نامه مبنی بر اختلال حواس، گواهی نامه مبنی بر صحت مزاج، گواهی نامه مبنی بر بیماری به ترتیب اساس نگهباری کسی در دارالمجانین (تیمارستان) یا سند حق از دواج یا مدرک عدم امکان حضور خواه در داد گاهها خواه در کارهای اداری قرار میگردد از اینجا معلوم میشود که تاچه اندازه اظهار بکنفر پزشک از لحاظ نتایج ممکنه مهم و قابل توجه است. البته قانون بطور عموم و قانون کارشناسی بالاخص موادی را برای جلوگیری از اعمال نظر و با قصور در اجرای وظیفه وضع و مجازاتهایی بیش بینی نموده است ولی در عمل هر گاه پزشک کارشناس متخلق بیک سلسله خصائص اخلاقی نباشد و یا در انجام وظیفه احتیاطات لازم را ننماید قانون همیشه نمیتواند سد محکمی باشد فرض کنیم پزشکی گواهی نامه مبنی بر اختلال حواس شخصی صادر نماید و در آن برای تایید تشخیص خود گزارش دهد که پدر و برادر بیمار هم به مرض جنون مبتلا بوده اند پدر و برادر بیمار که فعلا سالمند بر علیه پزشک بنام «افشاء اسرار شغلی» اقامه دعوا نمایند و داد گاه هم باتکاء ماده قانونی که افشاء اسرار شغلی را محکوم میداند قضاوت خواهد نمود پزشکی را بر سر بیماری میبرند که به جنون خری آنی دچار شده گواهی نامه مبنی بر جنون او صادر نماید بیمار که پس از دو روزی رفع سم شده و خوب میشود بر علیه پزشک تواند اقامه دعوا نماید که گواهی نامه دروغی داده است.

امثال و شواهد زیاد است که پزشکان برای بی احتیاطی در طرز انشاء گواهی نامه مورد تعقیب واقع

شده و بسا اوقات محکوم شده اند.

قانون کارشناسی مانع است پس چه باید کرد؟
 میتوان از مقامات صلاحیت دار مهلت خواست و دوباره امتحان ثانوی نمود و اگر در امتحانات مکرر نتوان استنتاج نمود نظر همکاری را خواست و متفقا اظهار نظر نمود ممکنست این اقدامات بطول بکشد و تاخیر در اظهار نظر مورد مدلول مواد ۱۵ و ۲۳ قانون کارشناسی واقع شود بهترین است در اینگونه موارد در مهلت معینه به دادگاه مربوطه نوشت که اظهار نظر بمناسبت فقدان عناصر لازم فوری و بزودی ممکن نیست لازم است ۰۰۰ روز تحت نظر و مطالعه قرار گیرد. البته اگر پزشک در نتیجه معاینات و مشاهدات و کسب اطلاعات خود یقین حاصل نمود و نظر مثبت و یا منفی پیدا کرد موظف است بدون هیچ ملاحظه نظر خود را در گواهی نامه بنویسد
 « لاتجعلو علمکم جهلا و یقینکم شگا اذا علمتم فاعملوا و اذا یقینتم فاقدموا »

ولی اگر پزشک وتردید بود و در امراض روحی خصوصا معاینه اولی کافی نیست که رفع شک نموده به یقین منجر شود. بایستی بحسب موقع و موضوع تصمیم مقتضی موقتی گرفت برای حفظ مسئولیت در اینگونه موارد مشکوک بهتر آنست که باهمکار دیگری مشورت نموده و باهم گواهی نامه را امضاء نمایند مثلا بدینگونه انشاء نمود که آقای ۰۰۰ فعلا دارای علائم واضح مرض جنون نیست ولی بعضی علائم مشکوکی در او مشاهده میشود که ممکن است دلیل بر وجود یک حالت مرضی مهم و خطرناکی باشد و بستری شدن او در تیمارستان برای تحت مطالعه و نظر بودن صلاح است»

ولی قانون سئوالات صریح و واضحی نموده و جواب های نه یا آری میخواهد متاسفانه در رشته اعصاب پزشک نمیتواند پس از یک جلسه جواب صریح بدهد و بنا بر این جواب مشکوکی برای رفع مسئولیت وجدانی و اطاعت از مواد قانون کارشناسی خواهد داد و البته

دادگاهها بتدریج متوجه عدم کفایت «معاینه واحد» برای اظهار نظر پزشکی شده و در عمل اسباب تسهیل کار پزشک را فراهم خواهند آورد و یکی از منظورهای این مقاله همین است که دادستان ها و دادگاه ها را به موضوع « لزوم تحت نظر و مطالعه گذاشتن بیماران روحی » برای اظهار نظر متوجه نماید.

فعلا طرز عمل چنین است به پزشک قانونی یا کارشناس رسمی امر میشود که به بیمارستان رفته فلان مریض را معاینه و اظهار نظر نماید پزشک قانونی به محل رفته با معاینه واحدی گواهی می نویسد. متخصصین بیماران روحی خوب میدانند که نه تنها معاینه واحدی برای اظهار نظر کافی نیست بلکه حتی معاینات مکرر بدون بستری شدن بیمار در یک بنگاه و تحت نظر و مطالعه قرار گرفتن نیز نمیتواند منجر به نظر قطعی شود و اگر در این طرز عمل اصلاحی نشود در آینده باشکال و دشواریهای دچار خواهیم شد صحیح است که سرعت در کار شرط اول دادستانی است ولی نباید فراموش کرد که همیشه گفته اند «فرشته داد را پالنگ است» و به زعم ما اگر چه لنگی موجب تاخیر است اما لنگی که بمقصود برسد بهتر از تند پائی است که در راه به زمین بخورد!

بنابر این اگر دادگاه بحسب تقاضای پزشک مهلت بیشتری بدهد و در باره بیماران روحی اجازه دهد که وقت کافی برای اظهار نظر صرف شود به فندف دادگستری بیشتر کمک شده است زیرا اگر چه احتقاق حق به اسرع اوقات صورت باید بگیرد ولی اگر برای ملاحظه اصل سرعت اصل مهمتر و اساسی تر «صحت و حقیقت» را بایستی فدا کرد تعویق و تأخیر اولی و ارجح است.

پس شرط احتیاط است که پزشک خود را مجبور نگارش گواهی در بالین بیمار ندانسته و به تندی و عجله قلم بردازی نکند و بهتر آنست که در بالین بیمار از سوابق

هر گونه فنی بصیر نیستند به کارشناس رجوع مینمایند که از طرف و بنمایندگی آنان امری را تحقیق و بررسی نموده و دادگاه را در رسیدگی و احقاق حق کمک نمایند کارشناس در واقع معاون و کمک دادگاهها میباشد و نظریات او برای روشن کردن امر بر دادگاه بوده هیچگونه جنبه اجباری ندارد بدین معنی که اگر کارشناس نظری دادگاه را ملحوظ خواهد داشت ولی بی هیچ وجه مقید نیست که استنتاج امر را معلق به نظر کارشناس بداند بلکه آزادی کامل در استنتاج خواهد داشت.

برای دادن توضیح بیشتری گوئیم کارشناس حکم شاهد را دارد منتها شاهد خصوصی است که مشهودات مصدق او برای روشنی امر نهایت اهمیت را دارد.

۲ - مسئولیت کارشناس

چه از لحاظ حقوقی و چه از لحاظ جزائی کارشناس مسئول است - از نظر حقوقی کارشناسی که حقیقت را آگاهانه در گزارش خود مستور داشته است عمل او نظیر جعل سند رسمی بوده مورد مدلول قانون جزای عمومی واقع خواهد شد ولی « در صورتیکه کارشناس در عقیده خود اشتباه نموده و این اشتباه در اثر مسامحه بعمل آمده باشد متخلف به سه ماه تا ۲ سال مجرمیت از کارشناسی رسمی محکوم خواهد شد این محکومیت انتظامی مانع از تعقیب حقوقی نخواهد بود » (ماده ۹ قانون کارشناسی) پس علاوه بر تنبیه انتظامی تعقیب حقوقی در کار است و کارشناس وقتی حقوقاً قابل تعقیب است که در انجام وظیفه خود « مرتکب خطای واضح و سنگینی » شده باشد ولی اگر در گزارش خود مطالبی اظهار کرده باشد که صحیح نباشد ولی مسلم باشد که اشتباه نموده و عمداً اعمال غرض ننموده حقوقاً قابل تعقیب نخواهد بود و نیز در صورتی که غیر از آنچه آئین نامه وزارت دادگستری مقرر مینماید وجه یا مالی از اشخاص ذی نفع قبول کند

امتحانات یادداشتهائی نموده شب در خانه بآرامی خاطر آن یادداشتهای را مطالعه و با در نظر گرفتن تمام اطراف و جوانب کار به تدوین گواهی یا گزارش خود بپردازد و نیز شرط علم و عقل است که در گزارش یا گواهی خویش متذکر گردد که مراتب منظوره فقط تا پانزده روز ممکن الاجرا و قابل قبول است و اگر اتخاذ تصمیم پس از گذشتن پانزده روز از تاریخ انشاء گواهی و گزارش واقع خواهد شد امتحان و گزارش ثانوی لازم خواهد بود

بسا اوقات دادگاههای حقوقی و جزائی برای روشنی موضوع نیازمند بنظر فنی پزشک قانونی و یا پزشک کارشناس میکرو دندو قانون کارشناسان وزارت دادگستری کشور ما پزشکان مخصوصی را با شرایط خاصی بنام کارشناسان رسمی برگزیده و در هر موضوع بکارشناس مربوط آن رجوع مینماید این پزشکان را کارشناس رسمی و این عمل را کارشناسی نام نهاده اند. از لحاظ رشته بیماریهای مغز و پی این کارشناسی بر دو دسته تقسیم میشود: کارشناسی در امور حقوقی و کارشناسی در امور جنائی در دسته نخستین استعداد و قابلیت عقلانی انسانی و در دسته ثانی مسئله مهم مسئولیت یا فقدان مسئولیت موضوع سنوال دادگاهها را تشکیل میدهد و در هر دو حال مسائل کارشناس - حق الزحمه کارشناس - تشریفات کارشناسی و کارشناسی در کار است اینک ما هر یک از مسائل نامبرده را مورد بحث قرار میدهیم.

۱ - کارشناسی

کارشناسان طبق قانون جدید کارشناسی و در صورت احراز شرایط ۶ گانه ماده ۲ قانون کارشناسی با آئین مخصوصی برگزیده میشوند. پزشک کارشناس کسی است که موقتاً از طرف دادگاه برای انجام امری مأمور میشود و بعبارت دیگر چون دادرسان خود در

ماده ۱۴ قانون کارشناسی اورا مرتشی شناخته و طبق قانون ارتشاء تعقیب خواهد شد.

مواردی که کارشناس ممکنست مسئول واقع شود در ماده ۱۰- و ۱۲- و ۱۴ قانون کارشناسی ذکر شده است - پس می بینیم مسئولیت کارشناس بسیار سنگین و تنها مسامحه و بی احتیاطی میتواند از چند لحاظ اورا مورد تعقیب قرار دهد.

۳- حق الزحمه کارشناسان

چون ما شخصا از آئین نامه و مقرراتی که وزارت دادگستری در این زمینه دارد اطلاع نداریم در این موضوع نمیتوانیم بحثی کنیم و در مقاله مخصوصی پس از اطلاع از مقررات نامبرده در این موضوع سخن خواهیم راند.

۴- تشریفات کارشناسی

کارشناسی در واقع حکم کسب اطلاع را دارد و بنابراین تمام مقامات حقوقی، جنائی، تجارتنی، اداری، نیز میتوانند آنرا مورد استفاده قرار دهند پس در هر مقامی با تشریفات بخصوصی کارشناسی بعمل خواهد آمد.

الف- از نظر حقوقی

مواردی که ممکنست به پزشك کارشناس احتیاج افتد عبارتند از استعداد و لیاقت عقلانی لزوم حجر و تعیین قیم یا ولی صحت و سقم ازدواج یا وصیت. مقاماتی که صلاحیت رجوع به کارشناسی دارند دادگاههای بخش، دادگاههای شهرستان، دادگاههای استان می باشند که بحسب تقاضای يك یادو طرف دعوا یا بحسب نظر و عقیده خود می توانند امر را رجوع به کارشناس نمایند همینکه تصمیم به رجوع کارشناسی گرفته شد در حکم استتاجی بایستی با کمال وضوح ماموریتی را که بکارشناس رجوع شده ذکر نمایند.

ماده ۱- قانون کارشناسی ملزم مینماید که از میان کارشناسان رسمی باید انتخاب نمود. اگر پزشك کارشناس برای انجام ماموریت خود مصادف با استتکاف بیمار شد شخصا حق اصرار و ابرامی نداشته میتواند

استتکاف اورا گذارش دهد.

همینکه امتحانات لازمه صورت گرفت و پزشك مطالعه و معاینه را کافی دانسته و خواست اظهار نظر نماید برای انشاء گذارش خود بایستی دقت نماید که هیچکس از موضوع و نظر او اطلاع پیدا نکند هرگاه برای امری چندین پزشك کارشناس مامور گردید اگر همه يك نظر واحدی دارند که کار سهل و گذارش را باهم تهیه و امضاء خواهند نمود ولی اگر مثلا سه پزشك بود و دو نفر يك نظر و پزشك سومی نظر مخالف داشت اکثریت نظر خود را گذارش داده و سومی نیز جداگانه نظر خواهد داد و هرگاه نظرها کلا مخالف هم بود هر پزشك نظر خود را جداگانه گذارش خواهد داد.

کارشناسان در انشاء گذارش خود موظفند علل و جهاتی که موجب اتخاذ نظر گردیده شرح دهند و در واقع گذارش بایستی « اظهار نظر استدلالی » باشد وقتی که نظرهای متضادی نزد پزشكان پیدا میشود بهتر آنست همکاران سعی کنند به يك نظر واحدی رسند و شخصیت و مجادله در کار روا مدارند زیرا این گذارش ها و نظرها در دادگاهها خوانده میشود و چون شنوندگان و خوانندگان وارد نیستند این اختلاف نظرها موجب شود که وزن طب و طبیب در دادگاهها کاسته میشود. تحریر گذارش با کارشناس است و بایستی در کاغذ مر کب و طرز تحریر و وضوح و خوبی آن دقت نمود که مورد ایراد اخلاقی واقع نشود تقدیم گذارش به دادگاه آمر بایستی با رسید باشد و اگر با یست فرستاده میشود سفارشی باید باشد که اگر احیاناً نگم و مفقود شد کارشناس رسیدی داشته باشد که در موقع انجام وظیفه نموده است.

هرگاه دادگاه لازم دید تجدید کارشناسی شود میتواند دوباره امر دهد و این وقتی است که موضوع بردادگاه کاملاً از کارشناسی اولی روشن نشده و یا حدس به اعمال غرض رفته و یا مسائلی جدید در باره موضوع مورد کارشناسی پیدا شده باشد - طرفین دعوا نیز

خواسته که مشهودات خود را اظهار نمایند از جمله پزشک کارشناس که قبلاً متهم را امتحان نموده به نوبه خود جزو گواهان پاسخ سئوالات رئیس دادگاه را میدهد و نتیجه امتحانات طبی خود را شرح میدهد. بنابراین در مسائل جنائی پزشک کارشناس تنها به گذارش اکتفاء نموده اغلب اوقات مانند یکی از شهود مورد سئوالات و استیضاحاتی واقع میشود.

۵ - کارشناسی

بامقدمات بالا کارشناسی مستلزم مسائل ذیل می باشد. مطالعه پرونده امر - استطلاع از کلیه اشخاصی که ممکن است اطلاعات مفیدی داشته باشند امتحان و معاینه شخصی که از لحاظ روحی درباره او باید اظهار نظر کرد. انشاء گذارش و بالاخره شهادت شفاهی

از لحاظ روحی مهمتر از هر چه مطالعه پرونده امر و مخصوصاً مطالعه و بررسی موضوع یا مواضعیکه موجب توقیف متهم شده است میباشد و در چگونگی و علت و طرز انجام امر اتهامی بایستی دقت نمود که آیا مرضی نبوده و در نتیجه اختلال حواس انجام نشده است البته تمام شرائط زمانی و مکانی روحی و اخلاقی و عاطفی را هنگام ارتکاب عمل باید در نظر داشت چه بسا میشود که فقط طرز اجرا و یا علت غائی آن کافیهست که تصمیم بمرضی یا سلامت جانی گرفته شود مثلاً در دزدی همینکه در پرونده امر خوانندیم که مرتکب با کمال تردستی و مهارت و با احتیاط کامل دزدی کرده و شریک هائی داشته این جا دیگر فکر «مرض دزدی» «کلپتومانی» نمی کنیم زیرا میدانیم که «بیماران دزد» با نهایت وضوح و سفاقت دزدی کرده هیچگاه مقدمات و شرکائی تهیه نکرده و عمل آنها متکی بر یک سلسله معادلات مادی نبوده و حتی گاهی یاسبان را برای کمک در ارتکاب دزدی به کمک می طلبند.

و یا برای تصمیم به اینکه آیا فلاط متهم امر

میتوانند تقاضای تجدید کارشناسی نمایند ولی دادگاه است که در لزوم یا عدم لزوم آن تصمیم بگیرد و در صورتی که تصمیم تجدید کارشناسی گرفت عیناً شریفات کارشناسی اولی عمل خواهد شد و دادگاه میتواند خواه کارشناسان نخستین و خواه کارشناسان جدیدی را ماموریت دهد کارشناسان جدید حق دارند که بگذارش کارشناسان نخستین برای روشن شدن امر رجوع نمایند

طول مدت کارشناسی

در قانون برای تقدیم گذارش کارشناس صریحاً مدتی معین نکرده ولی «اسراع اوقات» سفارش شده است و این بحسب موضوع و محل و شرائط کارشناسی تغییر پذیر است البته کارشناس در نظر خواهد گرفت که تمام دستگاه دادگستری در انتظار نظر او معلق و از کار افتاده است و بنا بر این وظیفه اداری قانونی و اخلاقی کارشناس است که اصل سرعت را تا آنجا که موجب نقض و عیب در کارشناسی نیست احترام نماید.

گذارش کارشناس برای روشن کردن ذهن دادگاه است ولی در اتخاذ تصمیم و صدور رای هیچگونه اجباری از قبول نظر کارشناس نداشته در کمال آزادی بحسب فهم و استنتاج خویش رای خواهد داد و در صورتی که لازم بداند برای توضیحات میتواند کارشناسان را در روز معین احضار و توضیحات شفاهی بگیرد - ولی عملاً در مسائل حقوقی کمتر اتفاق می افتد که احتیاج به احضار کارشناس در دادگاه بشود.

ب - در مسائل جنائی

کارشناسی در مسائل روحی در دادگاههای جنائی بیشتر مورد احتیاج است و تشریفات کارشناسی در امور جنائی با تفاوتی نظیر کارشناسی در امور حقوقی است معمولاً در دادگاههای جنائی نخست نام گواهان و موضوع اتهام را نامبرده و پس از آن رئیس دادگاه از متهم سئوالات نموده و بعد کارشناسان را

در مقدمه نام و نام پدر و خانوادگی - محل سکونت خود کار شناس و شماره و تاریخ حکم دادگاه مبنی بر لزوم انجام کارشناس روحی تعیین محل و تاریخ معاینه و نام اشخاصی که حضور داشته اند بایستی بترتیب ذکر شود.

شرح وضعیت جسمی و روحی و متهم فعلا و قبل و بعد از انجام جنایت و مطالعه پرونده برای این قسمت کمک خواهد بود

شرح حال سریری متهم بطور کامل و تعیین تمام علائم مرضی که مشاهده شده است و در صورت سالم بودن متهم پزشک تمام معاینات و امتحانات منفی را نیز ذکر خواهد نمود البته این شرح حال یک شرح حال کاملا معمولی بوده و همه مسائل را از سوابق فامیلی شخصی رفتار، گفتار و اطلاعات اطرافیان همه را ذکر خواهد کرد.

بحث و اظهار نظر در اطراف مشهودات ادعاهای مدافعین و بیان استدلالی نظریه کارشناس که مهمترین قسمت گذارش است بایستی با دقت و توجه بیشتری نوشته شود

و بالاخره خلاصه گذارش که در آن ملخصی از تمام مسائل بالا ذکر و در آخر بایستی جواب صریحی بطور نه یا آری به سوالی که دادگاه نموده داد.

بطور کلی شرائط لازم انشاء یک گذارش را میتوان چنین خلاصه نمود: حقیقت بی طرفی، احتیاط و وضوح و روشنی همین اصول را بیشتر در شهادت شفاهی بکار باید برد زیرا نباید فراموش کرد که قضات پزشک نبوده و با اشکالات مسائل بفرنج روحی نمیتوانند سرو کار داشته باشند بنا بر این تا آنجا که ممکنست وضعیت «سهل و ممتنع» را بایستی در گذارش مخصوصا در اظهارات شفاهی بکار برد.

خلاصه

پزشک کارشناس کمک جدی و مفید دادگاه است

از تکالیف را عامدانه انجام داده یا تحت تاثیر مرض صرع بوده است کافی است در چگونگی وقوع واقعه در پرونده امر دقیق شویم هر گاه گناه بطور آنی و بی مقدمه صورت گرفته و بعدا نیز مرتکب بکلی فراموش نموده است این خود دلیلی است که متهم مصروع بوده است از ذکر شواهد چشم پوشیده همیتقدر می گوئیم مطالعه پرونده امر برای کارشناس نهایت درجه اهمیت را دارد و یکی از اصول مهم کارشناسی است که بدون آن کارشناس نمیتواند اظهار نظر نماید این اصرار ما در این موضوع برای جلب نظر دادگاه هاست و نیز در برخی کشورها حتی «پرونده پیشینه های جزائی» را برای مطالعه کارشناسی لازم میدانند

استطلاع از کسان و اقرباء متهم راجع به روحیه بیمار و طرز زندگی او بالاخره سوابق فامیلی و شخصی متهم از لحاظ جسمی و روحی نیز در کارشناسی بیماری های مغز و پی (اعصاب و دماغ) در درجه اول از اهمیت است که در صورت امکان شفاهی و الکتی بایستی سوال و یاد داشت نمود.

معاینه طبی

موضوع تخصص با ترقی رشته های مختلف طب روز بروز قبولیت پیدا نموده و دارد تعمیم می یابد در رشته های بیماریهای روحی این قبولیت قدیمی تر است و قبل از آنکه رشته های تخصصی دیگر بصورت امروز پیدا شود. از قدیم تخصص بیماریهای روحی به رسمیت شناخته شده بود. زیرا تشخیص اینکه آیا کسی مالک تمام قوای عقلانی خود هست یا نه از کارهای مشکلی است که جز متخصص امراض روحی اطباء دیگر نمیتوانند انجام دهند. بنا بر این بر پزشک متخصص است که معاینات طبی را نموده و نتیجه بگیرد. البته این جا مجال شرح امتحان و سائل فنی نیست

در گذارش خود پزشک کارشناس بیماریهای روحی بایستی مسائل زیر را در نظر بگیرد:

مسئولیت وجدانی، اخلاقی، قانونی کارشناس بسیار و بایستی در انجام وظیفه حقیقت علم - وجدان و صراحت وافر و احتیاط را همیشه در نظر داشته باشد دادگاه بایستی مهلت لازم به پزشک کارشناس برای اظهار نظر بدهد.

تحت نظر و مطالعه گذاشتن متهم از لحاظ روحی بایستی مورد قبول واقع شود.
کارشناسی کار سهل و آسانی نیست مسئولیت های مهمی دارد

بحث در قوانین تجاری انگلستان

صلاحیت طرفین برای قرارداد

در انگلستان صلاحیت طرفین منوط است بمقررات قانون اقامت - در بسیاری از موارد عادی هر مملکتی را که طرفین محل اقامت خود معرفی نمایند مسکن دائمی آنها شناخته میشود و مسکن دائمی ربطی بمسئله ملیت ندارد چنانکه مثلاً یک نفر فرانسوی ممکن است انگلستان را مسکن و اقامتگاه دائمی خود قرار دهد و زندگی در آنجا را بپسندد اما بتغییر تابعیت خویش مایل نبوده همواره در ملیت فرانسوی باقی بماند. البته مسکن دائمی این شخص انگلستان است. قانون اقامت بر صلاحیت طرفین برای قرارداد همواره نافذ میباشد مگر در این دو مورد استثنائی: ۱- صلاحیت شخصی که بقرارداد تجارته را متعهد میشود زیر حکم قوانین همان مملکتی است که قرارداد در آنجا انعقاد می یابد

۲- صلاحیت عقد قرارداد راجع باموال غیر منقول یعنی اراضی تحت حکم قوانین همان مملکتی است که اراضی در آنجا واقع است.

در این مقالات هر جا از قراردادهای تجارته بحث می شود طرفین آن اشخاصی هستند که مقیم انگلستان میباشند و نیز موضوع قراردادها راجع بغير منقول مقصود اراضی واقع در انگلستان خواهد بود.

در انگلستان اساساً چنین فرض شده که هر شخصی صلاحیت دارد بقصد قرارداد اقدام نماید لیکن یکمدهر قانون

فاقد این صلاحیت شمرده و علاوه بر آن ممکن است در بعضی موارد نیز بر صلاحیت بعضی مردم اعتراض شود. صلاحیت اشخاص قانونی مانند اتحادیه ها و شرکت ها منوط است بمقررات پیمان یا اساسنامه ای که آن سازمان هارا بوجود آورده است.

بیگانگان

قانون تغییر تابعیت در انگلستان سال ۱۸۸۰ وضع گردید و بعدها قانون ملیت بریتانیا و قانون راجع به بیگانگان سال ۱۹۱۴ جای آنرا گرفت و سال ۱۹۱۸ بعضی مواد این قانون نیز تغییر یافت. از هنگام وضع قانون نخستین بعد یکفرد بیگانه در عقد قرارداد همان صلاحیتی را دارد که هر فرد از اتباع بریتانیا خواه بملیت بریتانیا تولد یافته و خواه بدان ملیت وارد شده باشد همان صلاحیت را حائز است باستثنای اینکه یکفرد خارجی حق ندارد در بحریه و کشتی های بریتانیا مالکیتی احراز و یا سهامی خریداری کند زیرا دولت انگلیس بحریه خود را بمنزله شریان وجود کشور شناخته نمی- خواهد هیچ فرد بیگانه در آن کمترین مداخله داشته باشد.

بیگانگان در حال دشمنی

این صلاحیت بیگانگان که اشاره شد مر بوط است بهنگام صلح ولی هیچ فرد از اتباع بریتانیا نمیتواند با